

قلمرو جدید گات و تحولات بین المللی تولید در قالب تئوری نئو کلاسیک

●● نوشته: بیژن صفوی

مقدمه

با فرض وجود شرایط رقابت کامل، مکانیسم بازار یا سیستم قیمت‌ها بیشترین کارایی و رفاه را به دنبال دارد. تجارت کالا در قالب مکانیسم آزاد تجاری، منجر به تخصیص بهینه منابع بین المللی و حصول حداکثر کارایی، رفاه، درآمد، تقاضا، سطح زندگی، گسترش مبادلات بین المللی و... می‌شود. امروزه نظریه نئو کلاسیک، مبین و بسط دهنده اندیشه فوق بوده و اهداف عمده از تشکیل گات را در برمی‌گیرد.

گات يك موافقتنامه ۳۴ ماده‌ای از منشور تجارت جهانی است که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ به امضاء نمایندگان ۲۳ کشور جهان رسید و شکل گیری آن پس از امضای موافقتنامه مربوط به تأسیس بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در سال ۱۹۴۴ در برتن وودز بود. در واقع گات بر مبنای احساس نیاز سران کشورهای عضو این دو نهاد به سازمانی که تنظیم کننده روابط تجاری کشورها باشد، ایجاد گردید.

این سازمان بر پایه اهدافی چون ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو، فراهم آوردن امکانات اشتغال کامل، افزایش درآمد واقعی و سطح تقاضا، تخصیص بهینه منابع بین المللی و گسترش مبادلات جهانی کالاها به وجود آمد.

کشورهای عضو گات تاکنون هشت دور مذاکره داشته‌اند که هفت دور اول (پیش از دوران وگوتنه) از قلمرو واحدی برخوردار بوده و نقطه مشترکی به نام تسهیل مبادله آزاد کالاها در سطح بین المللی و تلاش در جهت کاهش محدودیتهای تعرفه‌ای از طریق مذاکرات داشته است. لیکن در دور اخیر آن (دور هشتم یا دوران وگوتنه) وضع متفاوتی نسبت به ادوار گذشته به چشم می‌خورد. مذاکرات این

دور، در تاریخ گات بی سابقه، مهمتر، حساستر و گسترده‌تر از ادوار گذشته بوده و تحولاتی را در قلمرو آن پدید آورده است. مذاکرات از سال ۱۹۸۶ شروع شد و سرانجام پس از هفت سال در ۱۵ آوریل ۱۹۹۵ سند نهایی آن در مراکش به امضاء یکصد و بیست و چهار کشور جهان رسید.

در دور اخیر، برای نخستین بار، افزون بر تجارت آزاد جهانی، يك مقررات زدایی همه جانبه در سرمایه گذاری و تولید، حقوق مالکیت معنوی، تجارت آزاد محصولات کشاورزی، مبادله خدمات بانکی، بیمه، حمل و نقل و... در مذاکرات گنجانده شد. تجارت محصولات کشاورزی مهمترین بحث در این دور بود که آمریکا به شدت از آن حمایت می‌کرد و اروپا مخالف آن بود؛ از سوی دیگر، اروپا از طرفداران تجارت خدمات و آمریکا مخالف آن بود که با موضعگیری آشکار طرفین و سپس انعطاف آنها، توافق سیاسی بر سر آزادی تجارت در هر دو مورد حاصل شد. بعلاوه، مقرراتی نیز در خصوص سرمایه گذاری خارجی وضع گردید.

موضوع حق مالکیت معنوی نیز با توجه به تقلب و نسخه برداری برخی از کشورهای در حال توسعه از تکنولوژی و اختراعات و ابداعات کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح شد، چون بسیاری از کشورهای در حال توسعه درصدد دستیابی به تکنولوژی جدید و خواهان ایجاد توازن بین منافع دارندگان امتیاز ابداعات و اختراعات و نیازهای خودشان می‌باشند و به همین دلیل دست به نسخه برداری از نوآوری‌ها و اختراعات می‌زنند. این روش در کشور چین رواج بیشتری دارد.

در این مقاله، تغییر روند انباشت و سرمایه در جهان، و در نتیجه تغییر الگوی تقسیم کار ناشی از جهت گیری جهانی سرمایه، و در پایان، بین المللی شدن تولید در قلمرو جهت گیریهای جدید گات و تحرك بین المللی عوامل تولید مطرح می‌شود.

نظریه کلاسیک جدید، محور همگرایی گات، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

دولت‌زدایی و ابقاء مکانیسم بازار ملی و خارجی در مورد کشورهای، خصوصاً کشورهای در حال توسعه، امکانات تحرك و انباشت جهانی سرمایه را فراهم می‌کنند و در پی احیای این نکته‌اند که سرمایه وطن ندارد و حد و مرزی نمی‌شناسد.

تحول تئوریهای انباشت سرمایه

مبنای تحول تئوریک موضعگیری گات در چارچوب تئوریهای انباشت سرمایه به شرح زیر است:

الف- مکتب تنظیم: تسهیل انباشت سرمایه به یک رشته شرایط ساختاری، قوانین و مقررات، ارتباطات و نهادهای جهانی متکی است که مجموعه این شرایط، انباشت سرمایه را شکل می‌دهد. مکانیسم تشکیل سرمایه تحت نفوذ این نهادهای تعیین‌کننده، تسهیل می‌گردد. اما در مقاطعی، به علت بروز دگرگونی در برخی از این شرایط، انباشت سرمایه با مشکل مواجه می‌شود و لذا مجموعه جدیدی از شرایط برای تسهیل امور یاد شده لازم می‌آید.

ب- مکتب جدید: مکانیسم جدید انباشت سرمایه، در بطن مکتب قدیمی (تنظیم) وجود دارد. در واقع تئوری جدید معتقد به جهانی بودن سرمایه، از بدو پیدایش آن می‌باشد. طبق این تئوری، سرمایه فاقد مکان و محدوده خاص است و اساساً از لحاظ ماهیت پدیده‌ای جهانی می‌باشد.

مکانیسم بین‌المللی شدن سرمایه در سه بُعد: تجارت خارجی کالاهای تولید شده در سطح ملی؛ ایجاد بانکهای خارجی و اعطای وامهای جهانی؛ و سرمایه‌گذاری خارجی در تولید کالاهای و خدمات، عملی می‌شود و به دنبال آن، تولید و کار، مرزهای ملی را می‌شکند و جهانی می‌گردد یعنی تولید و عوامل تولید بین‌المللی شده و تحرك فراملی و جهانی خود را به دور از هرگونه محدودیتی انجام می‌دهند.

امروزه، قلمرو کلی سرمایه جهانی شده و فرآیند موجود فرآیندی است در جهت ایجاد بازار پیوسته جهانی در امور سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت کالاهای و خدمات. عامل محرک این بازار جدید جهانی، شرکت‌های چندملیتی هستند که با دسترسی به بازار کار و سرمایه‌گذاری، ماهیت طبیعی سرمایه را که همانا جهانی بودن آن است، عملاً متبلور می‌سازند. وظیفه جدید گات و تحولات دستورالعمل‌های آن در جهت تسهیل این مکانیسم و ایجاد زمینه و لوازم مورد نیاز آن می‌باشد.

تحول الگوی تقسیم کار

پیرو نظریه جهانی شدن سرمایه و انباشت آن، الگوی تقسیم کار نیز تحت تأثیر دگرگونی عواملی، متحول می‌گردد. تحول الگوی تقسیم بین‌المللی کار را می‌توان زیر دو عنوان مطرح ساخت:

- الف- الگوی قدیم: طبق این الگو، جهان به دو قسمت تقسیم می‌گردد: ۱- کشورهای برخوردار از تکنیک مدرن و صنایع جدید که عمدتاً دارای تولیدات صنعتی می‌باشند (کشورهای پیشرفته صنعتی)؛
 - ۲- کشورهای فاقد تکنیک پیشرفته که تولیداتشان عمدتاً مواد اولیه و فرآورده‌های کشاورزی است (کشورهای جهان سوم).
- با تحرك جهانی و فراملیتی سرمایه، این الگو فاقد اعتبار می‌گردد.

نکته کلیدی در نظریات نئوکلاسیک مبادله است و در میان مبادلات بازار، آنچه بیشترین اهمیت را دارد، مبادلات خارجی است. در این اندیشه، تجارت آزاد بین‌المللی، موتور رشد و توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. هر جامعه‌ای که مبادلات خارجی بیشتری داشته باشد، زودتر به توسعه می‌رسد و تجارت آزاد مبنای افزایش رفاه در هر کشور و در نتیجه افزایش رفاه در کل جهان است. تجارت خارجی آزاد باعث ایجاد تقسیم کار می‌گردد و هر کشوری که تقسیم کار بیشتری داشته باشد، به پیشرفت و رشد بیشتری دست می‌یابد. این تفکر در اوایل قرن بیستم تئوری مزیت نسبی را در قالب تازه‌ای مطرح نمود که پایه الگوی جدیدی در چگونگی تولید و صدور کالاها قرار گرفت.

در تحولات اخیر گات، محورها از این هم فراتر رفت و به نسبت روند جدید جهانی شدن، الگوی تازه‌تری از تقسیم بین‌المللی کار ارائه گردید. بر این اساس، تولید برای صادرات صورت می‌گیرد نه برای مصرف داخلی. الگوی توسعه اقتصادی نیز بر مبنای تقسیم جدید کار تغییر کرده و براساس تولید فراملیتی شکل می‌گیرد.

گات، به عنوان قدرتمندترین ابزار تجارت آزاد جهانی کالاها، خدمات، تولید و سرمایه‌گذاری، عملاً تبلور اندیشه نئوکلاسیک در جهان کنونی است. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، شرط اساسی اعطای وام به کشورهای در حال توسعه را، اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی قید نموده‌اند. جوانب سیاست تعدیل ساختاری پیشنهاد شده از سوی این نهادهای بین‌المللی عبارت است از: خصوصی‌سازی، تجارت آزاد خارجی و توسعه صادرات، کاهش ارزش پول ملی، واگذاری بازارهای داخلی به مکانیسم بازار، مقررات‌زدایی، تعدیل بودجه دولت و تعدیل تراز پرداختهای دولت.

با ملاحظه مبانی سیاست تعدیل ساختاری و با عنایت به اینکه سیاست مذکور نسخه‌ای است که بطور یکسان برای کشورهای با ساختارهای متفاوت پیچیده شده است، تحرك بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به شیوه نئوکلاسیک در آزادسازی و مقررات‌زدایی و بین‌المللی کردن فعالیتهای اقتصادی، در کنار یک نهاد قدرتمند دیگر به نام گات، آشکار می‌گردد. گات، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به عنوان سه نهاد وابسته به سازمان ملل، پس از جنگ جهانی هر یک عهده‌دار وظیفه خاصی گردیدند: گات، مسئول تسهیل تجارت خارجی و آزادسازی مبادله بین‌المللی کالاها، بانک جهانی عهده‌دار فراهم ساختن وامهای بلندمدت توسعه‌ای و صندوق بین‌المللی پول مأمور اعطای وامهای کوتاه‌مدت برای جبران کسری تراز پرداختهای کشورهای عضو شدند.

با تحولات ساختاری اقتصاد جهان پس از جنگ و فروپاشی سیستم برتن‌وودز، وظایف این نهادها نیز متحول گردید و توسعه یافت و به تدریج این سه سازمان به صورت اعضای یک دولت فراملی، هر یک عهده‌دار وظایف جدیدی برای رسیدن به یک هدف واحد، یعنی انباشت جهانی سرمایه، شدند. این همگرایی در جهت تبدیل کردن جهان به واحدی معین است که کشورها اعضای آن می‌باشند.

این کلیت ذهنی، ناظر به همان چیزی است که اصطلاحاً دهکده کوچک جهانی نامیده می‌شود و این سازمانهای سه‌گانه گردانندگان اقتصادی - تجاری آن هستند که با ایجاد تغییرات ساختاری، مقررات‌زدایی و

شرکتهای فراملیتی را ملزم به استفاده از تولیدات ملی می سازد، و مقررات دیگری نظیر اینها دانسته و عملاً مقررات زدایی جهانی را در برنامه کار خود قرار داده است.

گات و فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه

دنیای نئوکلاسیک، دنیای رمانتیک و بی دغدغه است؛ درحالی که ما در جهانی زندگی می کنیم که سرشار از نابرابری و عدم اطمینان است. تجربه ثابت کرده است که روابط بین المللی به زیان کشورهای درحال توسعه بوده و رابطه مبادله به ضرر این کشورها با کاهش روبرو می باشد و این حاکی از تفاوت و شکاف بین تئوریا، گفته ها و ادعاهای دنیای پیشرفته در قالب قراردادهای سازمانهای جهانی از یک سو، واقعیاتی است که در مرحله عمل وجود دارد.

مقررات جدید گات و تحولات قلمرو آن، سیاستهای توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه پس از جنگ دوم جهانی را مختل می سازد و با کاهش تعرفه های گمرکی و لغو محدودیتهای غیر تعرفه ای و مقررات جدید سرمایه گذاری خارجی، کشورهای درحال توسعه را به اتخاذ سیاستهای جدید توسعه ای وا می دارد. لذا فرآیند توسعه اقتصادی این کشورها در دوره جدید، حساس تر، دشوارتر و بیشتر قابل ملاحظه شده و با توجه به اینکه حتی در قلمرو قدیم گات نیز فرآیند توسعه این کشورها نیازمند توان رقابت بین المللی و بنیه اقتصادی کافی برای تحرک در جهان آزاد می باشد، این توان مورد نیاز در سایه تحولات اخیر گات، دارای ابعاد وسیعتری شده است و کشورهای درحال توسعه باید با آمادگی بیشتری خود را درگیر روابط جهانی سازند.

کشورهای درحال توسعه به دلیل مشکلات عمدتاً ساختاری و زیربنایی و نداشتن قدرت تحرک و رقابت در سطح بین المللی و لزوم اجرای سیاستهای تثبیت اقتصادی، کنترل، دخالت، وجود مقررات و محدودیتهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای، اولویت بندی و نظارت دولت بر اقتصاد و روند انباشت سرمایه، در قلمرو جدید گات در معرض خطر جدی قرار گرفته اند و بایستی با تفکر بیشتر، اتخاذ تدابیر مناسب و برنامه ریزی صحیح، راهی را در قبال شرایط بین المللی برگزینند که حداقل مانع بروز زیانهای بیشتر برای آنها گردد.

«پیوستن به گات»

علی رغم وضع بحرانی کشورهای درحال توسعه تحت شرایط جدید، این کشورها ناگزیرند به گات بپیوندند؛ زیرا شرایط بین المللی به گونه ایست که دخالت در امور این کشورها و اعمال فشار از جانب نهادهای جهانی (از جمله گات) از ویژگیهای جهان امروز است. به هر حال این کشورها جزئی از جهان هستند و در واقع دنیا با آنها کار دارد و نظرش را تحمیل خواهد کرد. مخالفت با شرایط جدید یا گوشه گیری همیشگی، به معنی درون گرایی و محدود شدن این کشورهاست که نه فقط فرآیند توسعه اقتصادی را متوقف می سازد، بلکه ممکن است بحرانهایی نیز به دنبال داشته باشد. این کشورها بایستی، حداقل

ب- الگوی جدید: با تحرک بین المللی سرمایه، شرایطی در جهان ایجاد می شود که الگوی قدیمی تقسیم کار را برای شرایط یکسان در سطح جهانی نامطلوب می سازد.

مسائلی چون بهای رشد و منطقی که در بطن تحول تکنولوژی نهفته است، الگوی جدیدی می طلبد. در بسیاری از کشورها با اینکه رشد اقتصادی بالائی وجود داشته، درآمد افزایش یافته و رفاه حاصل شده، مسائلی نظیر آلودگی هوا و محیط زیست، جنایات اجتماعی و... ایجاد مشکل نموده است و در برخی دیگر از کشورها رشد اقتصادی پیامدهائی مانند فقر، فساد و توزیع نامناسب درآمد به دنبال داشته است. از طرف دیگر، مکانیسم تولید در جریان تحولات خود به سمت جهانی شدن، به طور منطقی تکنولوژی پیشرفته تولید را که الگوی قدیم فاقد آن بود، می طلبد. در الگوی جدید تقسیم کار، دیگر، شکل غالب، تولید کالاهای صنعتی توسط کشورهای پیشرفته و تولید مواد اولیه توسط کشورهای حاشیه ای نیست. در این الگو، صدور کالاهای صنعتی در برابر ورود این قبیل کالاها می باشد.

با اشاره ای که در زمینه مواضع جدید گات، به تحولات مورد اقتضای آن در روند انباشت سرمایه و تقسیم کار شد، کاربرد تکنیکهای جدید، تحولات سرمایه گذاری و تولید کالاها و خدمات و مبادله جهانی آنها، جهان را درآستانه یک انقلاب فراصنعتی قرار می دهد. سرمایه گذاریهای امروزه در زمینه ارتباطات، صنایع فضایی و الکترونیک، مقدمه ای بر این انقلاب فراصنعتی می باشد.

با عنایت به دستورالعملهای جدید گات، اکنون جهان دهکده ای است که در آن تسهیلات سرمایه گذاری، رشد و پویایی هر چه بیشتر شرکتهای فراملیتی - شامل مصرف کنندگانی با سلیقه های یکسان - فراهم می گردد.

ویژگیهای مهم موافقتنامه دوراروگوئه

همچنان که اشاره شد، در موافقتنامه دوراروگوئه برای نخستین بار در تاریخ گات مسأله سرمایه گذاری و مقررات جدید مربوط به آن و نیز فرآیند تولید در قلمرو فعالیت آن را شاهدیم. در واقع تجارت خارجی در دوره های قبل از اروگوئه، حداقل در بین کشورهای پیشرفته صنعتی، به میزان زیادی آزاد شد و تعرفه های گمرکی کشورهای صنعتی از حدود ۵۰ درصد در نخستین سالهای پس از جنگ دوم جهانی به ۵ تا ۶ درصد در پایان دور توکیو کاهش یافت و این مبین موفقیت در مذاکرات تعرفه ای تجارت آزاد بین المللی در قالب گات می باشد.

گات در دور اخیر، افزون بر تجارت آزاد کالاهای صنعتی، دارای ابعاد مختلف دیگری به شرح زیر می باشد:

- ۱- تجارت محصولات کشاورزی؛
 - ۲- دسترسی به بازارهای جهانی؛
 - ۳- تجارت آزاد خدمات، حق مالکیت معنوی و مقررات مربوط به سرمایه گذاری خارجی؛
 - ۴- مقررات جدید مربوط به حذف سوبسیدها و محدودیتهای غیر تعرفه ای.
- گات، در دور اخیر، وظیفه خود را محدود نمودن یا لغو سوبسیدها (خصوصاً به منظور جلوگیری از دامپینگ بوسیله کشورها)، مقرراتی که

به منظور دفاع از حقوق بین‌المللی خود به گات پیوندند و مانع لطمه دیدن خود گردند.

برخورد عجولانه این کشورها با مسئله نیز کمابیش پی‌آمدهائی مشابه انزوطلبی و درون‌گرایی دائمی خواهد داشت، زیرا هنوز به حداقل قدرت اقتصادی و بازرگانی لازم برای ورود به رقابت‌های بین‌المللی دست نیافته‌اند.

در واقع، پشتوانه و پیش‌نیاز عضویت در گات، توان اقتصادی، بازرگانی، صنعتی و رقابتی می‌باشد. هر یک از کشورهای درحال توسعه زمانی باید به گات ملحق شود که نیاز به اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی و دخالت در مکانیسم بازار در اقتصاد، بیش از پیش کاهش یافته باشد و بتواند تجارت آزاد را بدون ایجاد شوک‌های خطرناک اقتصادی عملی کند.

تحت شرایط کنونی، کشورهای درحال توسعه باید برای تجهیز خود، در انتخاب استراتژی مناسب بکوشند و به‌طور مستمر در جهت تقویت وضع اقتصادی و افزایش توان رقابتی خود و کسب قدرت مورد نیاز در عرصه بین‌المللی تلاش نمایند و با شرکت در اتحادیه‌های منطقه‌ای یا تشکیل چنین اتحادیه‌هایی، رفته‌رفته تجربه کسب کنند و پس از دستیابی به رشد و تولید انبوه و تجارب لازم، به گات پیوندند.

موضع ایران

راه مناسب برای ایران نیز حفظ مواضع فوق‌الذکر است تا تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی، اصلاح و تحول ساختار و ترکیب بخش‌های مختلف تولیدی و... صورت پذیرد (چون این عوامل ساختاری منجر به رشد و تحول بهره‌وری تولید و تقویت قدرت رقابت کالاهای ملی در سطح بین‌المللی می‌گردد و افزایش صادرات و رشد اقتصادی را باعث می‌شود)، و پس از گذراندن این مراحل، برپایه تفکر و برنامه‌ریزی برای گزینش سیاست‌های مناسب تجاری با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی جامعه و ساختار آن و تجهیز اقتصادی - بازرگانی در جهت دستیابی به توان رقابت بین‌المللی و تجارب لازم (از طریق تشکیل اتحادیه منطقه‌ای با تعدادی از کشورهای درحال توسعه) به گات ملحق شود.

درحال حاضر با توجه به مشکلات اقتصادی کشور، خصوصاً نارسائی‌های ساختاری موجود، ضرورت‌های تثبیتی که بنا به عقیده طرفداران سیاست تعدیل باید توأم با تعدیل صورت گیرد از یک طرف، و محدودیتهای ارزی کشور از طرف دیگر باعث می‌شود که تصمیماتی در جهت اعمال محدودیتهای گمرکی و صادرات - واردات گرفته شود؛ تصمیماتی که با اصول گات و جهت‌گیریهای جدید و تحولات آن تضاد دارد. این امور، از ویژگی‌های بارز اقتصاد فعلی ایران است. البته غالب مشکلات جنبه ساختاری دارد و بویژه ناشی از کمبود عرضه و عدم جوابگویی آن به تقاضای آنی کشور می‌باشد. چون منحنی عرضه کل کشور از کشش‌پذیری عادی برخوردار نیست، به‌طور منطقی و خودبخود اتخاذ سیاست‌های محدودکننده تجارت لازم می‌آید و در شرایط ویژه (نظیر تورم فزاینده و نگران‌کننده) تثبیت نرخ ارز خارجی ضروری می‌گردد. وضع کنونی کشور نمونه خوبی در این مورد

می‌باشد.

با طی مراحل که برای گذار از شرایط فعلی بیان شد، صادرات غیر نفتی در پرتو سیاست‌های مناسب تجاری - که باید اتخاذ گردد - افزایش می‌یابد و کالاهای صادراتی قابل رقابت می‌گردد. بدین ترتیب تجارت آزاد خارجی به صورت موتور رشد اقتصادی در می‌آید و قابلیت تحرك بین‌المللی و عضویت در گات فراهم می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با دگرگونی قلمرو فعالیت‌های گات، نه فقط تجارت کالاها، که تولید و سرمایه‌گذاری به صورت جهانی در می‌آید، سرمایه‌ها از محدودیت‌های کنونی رها می‌شود و نظام تقسیم کار نیز متحول می‌گردد. هدف گات در مرحله جدید، تسهیل انباشت سرمایه فراملی است. مقررات تازه مربوط به سرمایه‌گذاری و تولید و جهت‌گیری‌های جدید گات، تحولات بنیادی در تولید، انباشت جهانی سرمایه و تقسیم کار را نوید می‌دهد و تحرك بین‌المللی عوامل تولید را ممکن می‌سازد. میان قلمرو جدید گات و تحولات بین‌المللی تولید، رابطه‌ای ارگانیک وجود دارد. خاستگاه تفکر حاکم برگات، اندیشه نئوکلاسیک است و در این راستا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز هماهنگ با تحولات گات، تسهیلات دیگری برای ایجاد بازار آزاد جهانی فراهم می‌کنند.

فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای درحال توسعه (از جمله ایران) با تنگناهای جدیدی روبرو شده است که تلاش زیادی را برای ایجاد سیاست‌های توسعه‌ای مناسب می‌طلبد. این کشورها برای پیوستن به گات باید روند اصلاحات ساختاری و زیربنایی و تنظیم مقررات مربوط به آن را حفظ کنند و عین حال، راه رسیدن به تجارت آزاد و قابلیت رقابت را باز بگذارند و تدریجاً به سمت این مسیر حرکت کنند.

درحال حاضر، به علت مشکلات عدیده اقتصادی و عدم توان رقابت بین‌المللی، پیوستن ایران به گات مقدور نیست. عضویت ایران زمانی می‌تواند عملی شود که تحولات عمیق ساختاری امکان تحرك در بازار آزاد بین‌المللی را فراهم آورده باشد. بی‌گمان، تجربه عضویت در اتحادیه‌های منطقه‌ای متشکل از کشورهای درحال توسعه‌ای که ساختاری مشابه ساختار اقتصادی ما دارند، می‌تواند برای عضویت در گات مفید واقع شود. بنابراین پیوستن ایران به گات، مقوله‌ای بلندمدت است و بهره‌مند شدن ما از ثمرات تجارت آزاد بین‌المللی به‌طور کامل، نیاز به زمان دارد.

درحال حاضر باید سیاست تجاری میانه‌ای اتخاذ کرد که نه کاملاً درون‌گرا باشد و نه یکسره برون‌گرا، و راه به سوی تجارت آزاد، آرام و پیوسته پیموده شود.

فهرست منابع و مآخذ در دفتر ماهنامه موجود است.